

پوهاند عبدالحی حبیبی - کابل

جوین خراسان و جوین سیستان گویان یا کوبان؟

تصحیحی در حواشی زین الاخبار گردیزی

دانشمند گرامی مؤید ثابتی از مشهد نامه‌ی باین جانب فرستاده و در ضمن آن حسن نظر و قدردانی خود را از نشر و تحشیه و تعلیق زین الاخبار گردیزی ابلاغ داشته‌اند، که برای نویسنده این سطور موجب امتنان و مسرت است، همواره بتأییدات الهی مؤید باد! درین نامه مینویسند: در صفحه ۱۰۱ فصل عبدالله بن عامر بن کریم مرقوم شده است: کویان همین جوین فراه است.

جوین ولایتی است بین اسفراین و سبزوار و مولد و موطن شمس‌الدین محمد صاحب دیوان جوینی و عطا ملک جوینی صاحب تاریخ جهانگشاست. آزادوار یکی از قصبات جوین است و اکنون یکی از ایستگاه‌های راه آهن طهران مشهد است و به همین نام نامیده میشود. نام قدیم جوین، کوبان با (ب) نه یا (ی) بوده است. در کتاب لباب‌الالباب مینویسد: «ملک‌السادات نیشابوری صاحب‌دیوان استیفای نیشابور بود، وقتی از وی استماع افتاد که وقتی به اسفراین رفته شد، در اثنای راه این رباعی اتفاق افتاد:

تارنج درین زمانه آفین آمد	گویی که برای من مسکین آمد
از جور سپهر سبز و از این دل من	کوبان کوبان با سفر این آمد

سبزوار و اسفراین و کوبان سه ولایت است، سخت نیکو نشان داده است (لباب‌الالباب

ص ۱۲۶).

این تذکره دوستانه جناب مؤید ثابتی، برای من که وسواسی درین گونه موارد دارم سابق شد که باوراق پارینه بنگرم و اگر سهوی افتاده باشد تلافی کنم.

در زین الاخبار گردیزی (ترتیب حبیبی) ص ۹۳ در جدول امرای خراسان، دارالملک عبدالله بن عامر را در حدود ۲۳ هـ گویان می‌نویسد که در هر دو نسخه خطی زین الاخبار نقاط ندارد و در حاشیه آن نوشته‌ام: «املاهی صحیح آن گویان = کویان و جوین مررب است و این غیر از جوین خراسان باشد که در قرب فراه در ناحیت سیستان واقع بود و تاکنون هم جوین نامیده میشود. (ص ۹۸)

بعد ازین در ص ۱۰۱ وارد است که: عبدالله بن عامر «بقومس آمد و پس به گویان آمد و آنجا مقام کرد و از آنجا به آزادوار آمد و صلح کرد و دختر ملحان گویانی را بگرفت و به عبدالله بن خازم داد بزنی، درینجا برحاشیه کلمه گویان نوشته‌ام، «گویان همین

جوین فراه است که شرحش گذشت .

در صفحه ۱۳۱ زین الاخبار جاییکه پیکارهای علی بن عیسی بن ماهان را با حمزه خارجی در سیستان شرح دهد مینویسد ، « و علی بن عیسی چند تن از سرهنگان خویش را به اوق فرستاد و به کویین . » که درینجا در هر دو نسخه (به) با کاف متصل نوشته شده و نقطه هم ندارد و من در حاشیه نوشته‌ام ، کویین یا گویان همین جوین فراه است .

در صفحه ۱۵۹ گوید : « بکر بن مالک ... با حشم بیرون آمد و به ده آزادوار فرود آمد از روستای گوییان . در حاشیه این عبارت نوشته‌ام ، « گویان : جوین . و این غیر از گویان یا جوین سیستان است . »

جوین خراسان

بدین نبط در تاریخ گردیزی دو گویان مذکور است که یکی در خراسان واقع بودو در تاریخ بانتساب خانواده صاحب دیوان ومؤرخان و علماء شهرت فراوان دارد ، و این همان است که در صفحات ۹۸ و ۱۰۱ و ۵۹ زین الاخبار بشکل گویان مضبوط است .

در قدیمترین منابع جغرافی عربی ، این جوین را از شهرهای نشابور گفته‌اند . ابن رسته و ابن خرداد به گویند ، از شهرهای نشابور نام ، باخرز ، جوین و بیهق است . (۱) یاقوت و ابن اثیر تصریح میکنند که جوین برشهره بسطام و نشابور واقع است که مردم خراسان آنرا گویان گفتندی ، چون معرب شد جوین گشت . بسوی قبله بیهق است و از شمال بحدود جاجرم پیوسته که قصبه آن آزادوار باشد . کویین منسوبست بنام یکی از حکمرانان آن . و یا اینکه نسبت آن به کوی است که ۱۹۸ قریه دارد و از نشابور ده فرسخ است ، وعده بزرگ علما بدان منسوبند (۲) .

بقول حمدالله مستوفی مرکز گویان (جوین معرب) در آزادوار بود ، ولی در قرن هشتم هجری (= چهاردهم میلادی) به فریومد انتقال یافت که شهرستان آنجاست (۳) . املائی گویان به ضمه اول وسکون واو که اصل آن گویان بود در خود محیط خراسان فاحمله مغل رواج داشته ، ولی اعراب از او اائل ورود خود آنرا معرب وجوین ساخته‌اند (۴) ومؤلفان عربی که بدین سرزمین نیامده و از مردم خراسان نام آنرا ننشیده‌اند ، بشکل معرب جوین نوشته‌اند ، ولی محمد بن احمد مقدسی که خراسان و سیستان را دیده بود ، در حدود ۳۷۸ ه کویان مینویسد و گوید ، روستای وسیع کثیر الخیر است که میوها و غله‌ها و پوشاکها ازان خیزد (۵) ، و در صفحه دیگر کتاب او جوین هم آمده که نسخه بدل آن کویان است (۶) .

(۱) الاعلاق النفیسه ص ۱۷۱ و المسالك والمالك ۲۴ . ۲- معجم البلدان ۱۹۲/۲ و اللباب ۲۵۶/۱ . ۳- نزهة القلوب ۱۸۴ . ۴- کتاب البلدان ابن فقیه که در حدود ۲۹۰ ه تألیف شده ص ۳۱۹ . ۵- احسن التقاسیم ۳۱۸ . ۶- همین ۳۲۲ .

جوین فراه یا سیستان

در ص ۱۳۱ زین الاخبار ذکر کوین در سرزمین سیستان در ردیف اوق هم آمده که اکنون در ولایت فراه افغانستان یک ناحیت حاکم نشین بنام لاش و جوین موجود است و یکی از حکمرانان متأخر شاه حسین سیستانی در حدود ۱۰۲۸ هـ آنرا بنام قلعه لاش و قلعه جوین ذکر کرده است (۱) .

این جوین فراه نیز از قدیم بهمین نام معروف بود. الیعقوبی جوین را از کوره‌های سیستان میدانند (۲) ، و ابن رسته گوید ، که ازوادى فره به جوین آیند (۳) . مقدسی گوین را بشمول فره از نواحی زرنج شمارد (۴) و باز در شرح سیستان آنرا از شهرهای این ناحیت داند (۵) و گوید ، کوین (به ضمه اول و فتحه دوم) شهریست که حصن منبع بزرگی دارد و چون خوارج درانند منبری ندارد (۶) . از زرنج بفاصله یک مرحله کرکویه و بعد از آن بمسافت یک مرحله بستر و پس از یک مرحله جوین واقع است (۷) و بقول ابن حوقل از همین جوین تا بست نیز یک مرحله بود (۸) ، که عین همین فواصل را اصطخری نیز از بستر به جوین و ازینجا تا بست می‌شمارد (۹) .

چنانچه در احسن التقاسیم نوشته شده ، در تاریخ سیستان نیز بهمین املا (کوین) در نواحی سیستان و فراه آمده (۱۰) ، و بونصر حمدان گوینی منسوب بدان است (۱۱) که در کتب کنونی نیز آنرا در شرح جغرافیای تاریخی سیستان و نقشه‌های مرتبه آن آورده‌اند (۱۲) .

جوین سرخس

ابن اثیر از یک جوین دیگری که در سرخس واقع بود نیز نام می‌برد و گوید که سماعی صاحب الانساب بدو جوین مذکور اشاره کرده ولی جوین سوم را که یکی از قرای سرخس بود نیاورده است، و باین جوین سرخس ابوالمعالی محمد بن حسن جوینی سرخسی منسوبست که امام فاضل پرهیزگار و فقیهی بود از تلامیذ علی‌ابی‌الحسن شرمقانی (۱۳) . اینست آنچه در باره سه جوین در کتب تاریخ و جغرافیا آمده و ظاهراًست که املاهای گویان = کوین = جوین در باره هر دو جوین خراسان و سیستان رواج داشته و در مورد جوین سرخس فقط املاهای معرب آن دیده شده است .

۱ - احياء الملوك ۹۹ در تاریخ سیستان لاش را قلعه سپید دز اوق هم گفته است (ص ۴۰۴) که بعد از آن به قلعه سفید کوه مشهور بود. (ص ۴۰۶) ۲ - کتاب البلدان ۲۸۱ .
 ۳ - الاعلاق النفیسه ۱۷۴ . ۴ - احسن التقاسیم ۵۹ . ۵ - همین ۲۹۶ . ۶ - همین ۲۰۶ .
 ۷ - همین ۳۵۰ . ۸ - صورة الارض ۴۲۱ . ۹ - مسالك الممالك ۴۲۱ . ۱۰ - تاریخ سیستان ۲۰۷ ، ۳۳۶ . ۱۱ - همین ۲۹۹ . ۱۲ - جغرافیه خلافت شرقی ۳۴۲ و نقشه سیستان و قوهستان و خراسان . ۱۳ - اللباب ۲۵۷/۱ که عین همین مطلب را یاقوت نیز آورده است (معجم البلدان ۱۹۳/۱) .

نتیجه

اکنون از جناب مؤید ثابتی ممنون باید بود ، که چنین مطلبی را یادآوری کردند و از روی شرحی که داده شد ، در حاشیهٔ صفحه ۹۸ و ۱۰۱ تصحیحی وارد می‌شود ، که مراد از گویان یا جوین مذکور درین صفحات زین الاخبار جوین خراسان است نه جوین سیستان . لپرا به قرینهٔ ذکر آزادوار و قومس توان گفت که دارالملک عبدالله بن عامر در حدود ۲۳ هـ گویان = جوین واقع خراسان در نزدیکیهای آزادوار کنونی بود و هم ملحان گویانی که دختر او را عبدالله بن خازم گرفت از همین گویان خراسان بود .

اما اینکه مراد ملك السادات نیشابوری صاحب دیوان در رباعی سابق الذکر از گویان همین گویان یا جوین خراسان باشد مورد تأمل است . زیرا در کتب سلف و خلف ابدأً و اصلاً چنین املائی برای جوین یا گویان یا گوین وارد نیست و اگر گویان از مادهٔ کوب و کوبیدن و کوفتن باشد پس با کاف عربی و (ب) است نه گویان .

مادهٔ کوب با رنج و تعب و مشقت متلازم است ، «رنج و کوب» درین بیت اسدی بطور اتباع آمده است ،

تو در پای پیلان بدی خاشه روب کواره کشی پیشه با رنج و کوب

(لغت فرس ۳۱)

که علامه دهخدا هم آنرا از اتباع رنج بمعنی مشقت و تعب شمرده است .

(حاشیهٔ برهان ص ۱۷۱۸)

چون در رباعی ملك السادات که جناب مؤید ثابتی نقل فرموده‌اند ، رنج زمانه وجود سپهر مطرح است ، بنابراین گویان با (ب) صحیح خواهد بود ، ولی نه این گویان خراسان . بلکه در همین نواحی گویان یکی از قرای مرو بود ، که بشکل جو بان معرب گردید (۱) . بیاد دارم که روزی در کراچی با مرحوم سعید نفیسی که لباب الالبات عوفی را با تحشیه و تعلیق نشر کرده بود ، در بارهٔ املائی این کلمات که گویان گویان بمعنی شاکلی و نالان است شرحی دادم و به املائی قدیم و نام اصیل گویان خراسان که در همین نواحی سبزوار و اسفراین است اشاره کردم . وی گفت : گویان درین نواحی نیست و بنابراین املائی گویان مرجح باشد ، ولی در حین تحشیه و طبع کتاب ، ملتفت نبوده‌ام .

خود من از جناب ثابتی بسیار ممنونم که یادآوری دوستانهٔ وی موجب تصحیح حواشی دو صفحهٔ زین الاخبار گشت . ولی این سخن را که در رباعی ملك السادات کدام املا معتبر و سازگارتر است بارباب ذوق و ادب میگذارم ، و من هر دو توجیه را نوشتم .